

## ایهام ترادف و ویژگی سبکی منحصر به فرد حافظ

دکتر احمد ذاکری<sup>۱</sup>، دکتر اسد صفری بندپی<sup>۲</sup>

محمد صادقی<sup>۳</sup>



تاریخ دریافت: ۹۴/۰۸/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۳۰

### چکیده

یکی از صناعات ادبی در زبان هنری فارسی که بیشتر مربوط به شعر می‌شود ایهام (توریه) است. ایهام به جهت داشتن دو معنی دور و نزدیک و اراده شدن معنی دور و گاه هر دو معنی دور و نزدیک از طرف گوینده در خواننده گمان‌افکنی می‌کند و او را وامی‌دارد که درنگ بیشتری بر واژگان داشته باشد. ایهام به گونه‌های متفاوت تقسیم می‌شود. یکی از انواع ایهامات، ایهام ترادف است. ایهام ترادف شگرد هنری زبان حافظ در غزل‌هایش می‌باشد و سراینده‌گان بزرگ ادب فارسی به ندرت برای یکبار از آن استفاده کرده باشند ولی در حافظ بسامد فراوان دارد و به ویژگی سبکی او تبدیل گردیده است.

کلید واژگان: حافظ، شعر، آرایه‌های هنری، ایهام ترادف.

۱ - دانشیار و عضو هیأت علمی و عضو هیأت علمی دانش آموخته رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، البرز، ایران. ahmadzakeri94@gmail.com

۲ - استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن، ایران. asad1965Safari@yahoo.com

۳ - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قائم شهر، ایران.

مقدمه

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم ای بی‌خبر ز لذت شُرب مدام ما

شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی بلندآوازه‌ترین غزل‌سرای زبان فارسی، برجستگی‌های هنری و ادبی منحصر به فردی دارد که به دلیل بسامد قابل توجه آن‌ها، ویژگی سبکی او را تشکیل می‌دهد. شگفتا که بزرگ سرایندگان ادبیات فارسی به آن شگردها توجه نداشته‌اند یا اگر هم به ندرت به آن آرایه‌ها پرداخته‌اند برای یکبار بوده، فراوانی در حد هنجارآفرینی ندارد. یکی از این آرایه‌های انحصاری ایهام ترادف است. گونه‌های ایهام در غزل‌های حافظ بسامدی چشمگیر دارد. و دیگر سرایندگان هم پیش و هم پس از حافظ از صنعت ایهام سود جست‌ه‌اند ولی ایهام ترادف فقط در انحصار حافظ است.

ایهام چیست و پیشینه‌ی آن کدام است؟

نخستین بار در نقد ادبیات فارسی، رشیدالدین وطواط در کتاب حدائق السحر فی دقایق الشعر در تعریف ایهام چنین می‌نگارد: «پارسی ایهام به گمان افکندن باشد و این صنعت را تخیل نیز خوانند و چنان بود که دبیر یا شاعر یا در نظم الفاظی به کار برد که آن لفظ را دو معنی باشد. یکی قریب و دیگر غریب و چون سامع آن الفاظ بشنود حالی خاطرش به معنی قریب رود و مراد از آن لفظ خود معنی غریب بود.» (وطواط، ۱۳۶۲: ۳۹). پس از وطواط بیشتر اهل نقد ادبی همچون صاحب کتابی المعجم فی معاییر الاشعار العجم (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۳۵۵). و نگارنده‌ی کتاب بدایع صنایع (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۷۴) سخنان وطواط را بدون کم و کاست حتی با همان الفاظ وطواط نقل می‌کنند و چنین است کاشفی سبزواری در بدایع الافکار (کاشفی ۱۹۷۷: ۶۸).







در بیت یاد شده کلمه (شوکت) در مرحله نخست معنی نزدیک (شکوه) را به ذهن متبادر می‌کند بخصوص که قرینه‌ی نخوت باد دی را به همراه دارد ولی با آگاهی به زبان عربی می‌توان به معنی دور آن یعنی (خار) پی برد که مترادف مضاف‌الیه خود می‌شود. برای آگاهی بیشتر مراجعه شود به (صفی‌پور، بی‌تا، جلد ۱).

و چنین است در ترکیب‌های: شرب مدام، باد شرطه، رواق منظر و آمدن عید مربوط به بیت‌های:

ما در پیاله عکس رخ یار دیده‌ایم      ای بی‌خبر ز لذت شرب مدام ما  
(همان، ۱۳۵۹: ۲۲)

کشتی شکستگانیم ای باد شرطه برخیز      باشد که باز بینم دیدار آشنا را  
(همان، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۲۶)

راوق منظر چشم من آشیانه‌ی تست      کرم نمای و فرود آ که خانه‌ی تست  
(همان، ۱۳۵۹: ۷۰)

ساقیا آمدن عید مبارک بادت      آن مواعید که کردی مرود از یادت  
(همان، ۱۳۵۹: ۳۸)

گاه پیش می‌آید حافظ در این ترکیبات معنی نزدیک واژه را مترادف قرار می‌دهد ولی معنی دور آن را اراده می‌کند مانند ترکیب‌های قلب دل، نقد روان، خط غبار در بیت‌های زیر:

عاشق مفلس اگر قلب دلت کرد نثار      مکنش عیب که بر نقد روان قادر نیست  
(همان، ۱۳۵۹، ۱۴۲)

در این بیت، قلب در ظاهر معنی دل می‌دهد که با مضاف‌الیه خود مترادف است ولی معنی دور آن به قرینه‌ی مفلس و قادر نبودن به نقد روان، باید معنی سگه‌ی ناروا و دیگرگون را داشته باشد. (معین، ۱۳۵۴، جلد دوم) و لغت‌نامه‌ی دهخدا.



(نقشه) ولی معنی دور آن (انداختن) است. مراجعه کنید به (صفی پور، بی تا، ج ۲).

مست بگذشتی و از خلوتیان ملکوت      به تماشای تو آشوب قیامت برخاست  
در چمن باد بهاری زکنار گل و سرو      به هواداری آن عارض و قامت برخاست

در ترکیب‌های قیامت و قامت برخاست، معنی نزدیک آن‌ها روز رستاخیز و قد و بالا می‌باشد اما، معنی دور هر دو واژه (برخاستن) و با فعل برخاست مترادف است. در عیش نقد کوش که چون آبخور نماند      آدم بهشت روضه دارالسلام را (همان، ۱۳۵۹: ۱۴)

**۲- ایهام ترادف‌هایی که در یک مصراع رخ می‌نماید خواه در مصراع اول باشد خواه در مصراع دوم همچون:**

من از آن حسن روزافزون که یوسف داشت دانستم      سرکه عشق از پرده‌ی عصمت برون آرد زلیخارا (همان، ۱۳۵۹: ۶)

در این بیت ایهام ترادف در اسم خاص یوسف (ع) شکل گرفته است و نشان می‌دهد که حافظ به معنی عبری واژه آشنایی دارد زیرا در زبان عبری یوسف، (روزافزون یا خدا افزون کند) معنی می‌دهد. رجوع کنید به (خزائلی، ۱۳۵۵: ۶۷۰)

عقل اگر داند که دل‌بند زلفش چون خوش است      عاقلان دیوانه گردند از پی زنجیر ما

در بیت فوق کلمه (عقل) در معنی نزدیک (خرد) به کار رفته ولی معنی دور آن عقال (بند) است که مترادف (بند زلف) خواهد بود.

و نمونه‌هایی چون:



با محتسبم عیب مگوئید که او نیز پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است  
(همان، ۱۳۸۲ : ۱۲۹)

(مدام) در معنی نزدیک (پیوسته) و معنی دور (شراب)

چشم جادوی تو خود عین سواد سحر است لیکن این هست که این نسخه سقیم افتادست  
(همان: ۹۷)

(عین) در معنی نزدیک (شبیه) و معنی دور (چشم) است.

گفت حافظ آشنایان در مقام حیرتند دور نبود گر نشیند خسته و مسکین غریب  
(همان، ۱۳۵۹ : ۳۰)

واژه (غریب) در معنی نزدیک (ناآشنا) و معنی دور (دور)

گوشم همه بر قول نی و نغمه‌ی و چنگ است چشمم همه بر لعل لب و گردش جام است  
(همان، ۹۴)

کلمه (قول) در معنی نزدیک (گفتار) و معنی دور (نغمه و لحن).

ای پادشاه حسن خدا را بسوختیم آخر سوال کن که گدا را چه حاجت است  
شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی  
فعل مرکب (سوال کن) در معنی نزدیک (پیرس) و معنی دور (گدایی) با (گدا)  
ترادف دارد. و چنین است در بیت:

ارباب حاجتیم و زبان سوال نیست در حضرت کریم تمنا چه حاجت است  
(همان: ۶۸)

۳- نوع سوم از ایهام ترادف‌های حافظ را کلماتی تشکیل می‌دهد که در دو مصراع شکل گرفته.  
همچون:

تا هر کسی به بوی نسیمش دهند جان بگشود نافه‌ای و در آرزو ببست  
(همان: ۶۴)

واژه‌ی (بو) در مصراع اول به معنی نزدیک (رایحه) و در معنی دور (آرزو) است.  
 گرچه دوریم از بساط قرب همت دور نیست      بنده‌ی شاه شماییم و ثناخوان شما  
 (همان: ۲۴)

(همت) در مصراع اول به معنی (کوشش) و معنی دور (دعا و ثنای درویشان) است.  
 ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد      گاه آن است که بدرود کنی زندان را  
 (همان: ۱۸)

(گاه) در مصراع دوم به معنی نزدیک (هنگام) و معنی دور (مسند) است.  
 حافظ مرید جام می است ای صبا برو      وز بند بندگی برسان شیخ جام را  
 (همان: )

مقصود از (جام) در مصراع دوم شهرستان تربت جام و در معنی دور همان (جام) می است و طنز زیبایی در شیخ جام به معنی نزدیک (شیخ احمد ژنده پیل) و معنی دور (پیر گلرنگ) حافظ باشد که فرمود:

پیر گلرنگ من اندر حق ارزق پوشان      رخصت خبث نداد ار نه حکایت‌ها بود  
 (همان: ۳۹۸)

روی خوبت آیتی از لطف بر ما کشف کرد      زان سبب جز لطف و خوبی نیست در تفسیر ما  
 (همان: ۲۰)

(تفسیر) در مصراع دوم به معنی نزدیک (گزارش) و در معنی دور کشف کردن و پرده از چیزی برداشتن است.

چشم‌ت به غمزه خانه‌ی مردم خراب کرد      مخموریت مباد که خوش مست می‌روی  
 (همان: ۱۰۶۷)

در این بیت دو ایهام درهم آمیخته‌اند نخست ایهام در کلمه مردم با دو معنی (مردم و مردمک چشم) و ایهام ترادف معنی دوم (خراب) که با (مست) در مصراع دوم خواهد بود.

این نکته شایسته یادآوری خواهد بود که نمونه‌های آورده شده برای گونه‌های ایهام ترادف جز یکی دو مورد بقیه فقط از غزل‌های آغازین دیوان حافظ برگزیده شد. لذا اگر بخواهیم ایهام ترادفات تمام غزل‌های حافظ را استخراج کنیم تعداد آن‌ها چند برابر نمونه‌های این مقاله خواهد شد.

#### نتیجه:

در دیوان حافظ گونه‌های مختلف ایهام به فراوانی دیده می‌شود و شاعر از این بابت در میان سراینندگان زبان فارسی بی‌مانند است. ایهام ترادف که هنری‌ترین نوع ایهام است و در دیوان دیگر سراینندگان به آن برنمی‌خوریم در دیوان غزلیات حافظ بسامدی بالا دارد. اگر قرار باشد در تمام غزلیات حافظ به دنبال ایهام ترادف بگردیم نمونه‌های زیادی در آن پیدا می‌شود آنچه در این مقاله به آن بسنده شده مشتی از خروار خواهد بود.







پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی